

99

79



99

79

موسیقیان عالمی التکران



تاشکند درین شهر
مطالع و صرف بر طبع شد

Дозв. Ценз. С.-П.-бургъ 26 Юня 1900 года.

Т. лит. О. А. Порцева въ Ташкентъ.

شهر تاشکند پور تصفینیک باصمه خانہ سیدہ

بسم الله الرحمن الرحيم

باوج کبریا که پہلوی عزت راه آنگا
اوبکا و محبت تار شغفر بنید
بیاد محض از شمس خیز سراج
مقیم دشت الفت به غریب باران
بسوغیر شکل بود ز اشوج بی ستن
خوشا بزم و فاکر خجالت اطفا کوه
ز طرز مشرب عشاق سیر سواکن
ز بسرفض سحر محو سوز آرد
بگمان بر سر که زار و دوست ^{مطلب}

سروئی گراینجایم سوی شکر کلاه
چو سبزم سر غمراشک میا بدک آنگا
بسم آنگا حاجید باش حسکا آنگا
بهم مراد و چشم تو نمکان کیا آنگا
سری در خبیثه ز دیدم بجه پنا آنگا
شرد در سنگ همه پشانیها آنگا
شکست نک کس لای زار و زیر کا آنگا
همه کز شب شود روز نمیکرد و سیا آنگا
نور و غم و فتن کند یجا آنگا

خیال جلوه زار نیستیم علی همه	ز قفس سر بر آید کسبند گاه کا آبی
دل از کفر فرطت ز بر حرام آید	بسکند مگر انجام که غدر خا آید

زین کیرم فون دل بیدعا بیدل	
در انوادی که منزل نیزی افتد بر آید	

گر این خست هر کرد حسن و ساهان	تا سحر کتن گریبان میدرد عریان
فیضها میجو شد از خاک غبار پنجه	صبح میریزد گل خورشید در دامن ما
در نما شایب بزرگ صبح میگویم	چین ما یک قدم پیش است از دشمنان
محو کردین علاج اضطراب دل کرد	از تحیر سر بر بیخ شطوفان ما
از شهادت انتظاران بسا احریم	ز خمه دادماندن چشم در میدان ما
هر جامی ز سخن چون گل نصیب نشد	زک اگر دانه خسته میشود در ما
سخت پند از یاد منحل بر آن خطا	چین یعقوب ایاست در مکنعان
مطربان از تلمچه دار خوبیست	شعله میسوزند از آله عریان ما
هسترمو بوم غیر از آله آینه ایست	رفتن ما که سپید کرد از دامن ما

اشک تا بر هم ز نیم اشکی بخون غلیظه است	
بسال ایجاد است بیل جنبش دشمنان	